

عوامل پیش‌بینی‌کننده‌ی گرایش زوجین به طلاق در مناطق مرزی امید قادرزاده^۱

استادیار جامعه‌شناسی، دانشگاه کردستان

هیرش قادرزاده

کارشناس ارشد جامعه‌شناسی

حسین حسن پناه

کارشناس ارشد جامعه‌شناسی

دریافت مقاله: ۹۱/۷/۱۸ پذیرش مقاله: ۹۱/۱۱/۲۱

چکیده

هدف: مقاله‌ی حاضر با هدف شناسایی عوامل پیش‌بینی‌کننده‌ی گرایش زوجین به طلاق در مناطق مرزی صورت گرفته است. در بخش نظری بر اساس نتایج به‌دست آمده از بررسی نظریه‌ها و مرور منابع تجربی موجود یک چارچوب مفهومی تنظیم و در قالب آن فرضیه‌های اصلی مطرح شده است. **روش:** پژوهش به روش هم‌بستگی و نحوه‌ی گردآوری اطلاعات پیمایشی و ابزار پرسش‌نامه در مورد ۴۰۰ نفر نمونه از زوجین ساکن در شهر مرزی بانه انجام گرفته است. داده‌های به‌دست آمده با استفاده از روش‌های آماری هم‌بستگی کندال، تحلیل رگرسیون چندمتغیره و تحلیل مسیر با بهره‌گیری از نرم‌افزار SPSS ۲۰ تحلیل شدند.

یافته‌ها: با وجود شناخت بالای زوجین از هزینه‌ها و عواقب طلاق در جامعه، گرایش متوسطی نسبت به طلاق در ابعاد عاطفی و رفتاری آن وجود دارد. یافته‌ها نشان می‌دهد که متغیرهای میزان برآورده نشدن انتظارات، تصویر مثبت از پیامدهای طلاق، مداخله‌ی اطرافیان، تفاوت عقاید، از هم‌گسیختگی خانواده، ناهمسانی زوجین، مصرف رسانه‌های خارجی، پایگاه اقتصادی-اجتماعی، بلوغ فکری-عاطفی اثر تقویت‌کننده‌ای بر گرایش به طلاق داشته و متغیرهای پای‌بندی دینی، دستیابی به اهداف، مصرف رسانه‌های داخلی و سطح تحصیلات اثر کاهنده‌ای بر گرایش به طلاق داشته است. در مجموع متغیرهای مذکور حدود ۵۸ درصد از تغییرات گرایش به طلاق در زوجین مورد بررسی را تبیین می‌کنند.

نتیجه‌گیری: مهم‌ترین عامل پیش‌بینی‌کننده‌ی گرایش به طلاق، متغیر نابسامانی اجتماعی بوده است که خود متأثر از تغییرات ارزشی و محیطی (رشد تجارت مرزی و اقتصاد غیر رسمی، تغییرات شدید در وضع اقتصادی منطقه، افزایش نامتعارف حجم سرمایه‌ی اقتصادی در میان بخشی از مردمان این منطقه) می‌باشد.

کلید واژه‌ها: گرایش به طلاق، انتظارات زوجین، نابسامانی اجتماعی، مصرف رسانه، عقاید زوجین، شهر مرزی بانه.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

¹ O.ghaderzadeh@uok.ac.ir

مقدمه

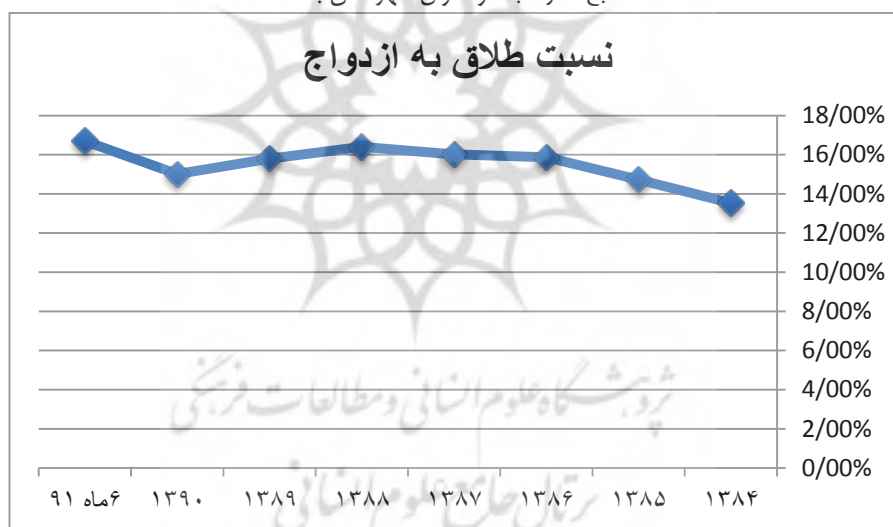
طلاق، از نظر لغوی به معنی رها شدن می‌باشد و در اصطلاح عبارت از پایان دادن به زندگی زناشویی به وسیله‌ی زن وشوهر (وایزمن، ۱۹۸۵). جامعه‌شناسان در بررسی مسائل اجتماعی، مطالعه‌ی خود را به شرایطی در جامعه محدود می‌کنند که اکثریت مردم آن را نامطلوب می‌دانند (رابینگتن و واینبرگ، ۱۳۸۶: ۱۳). باید شمار چشم‌گیری از مردم یا حتی اکثریت مردم در جامعه یک واقعیت اجتماعی را به عنوان انحراف از معیارهایشان تلقی کنند. تا این واقعه به عنوان یک مسئله‌ی اجتماعی قلمداد شود (مرتون، ۱۳۷۶: ۲۷). در دین اسلام نیز حفظ و تشکیل بنیان خانواده بر فروپاشی آن و طلاق برتری داده شده است؛ از این رو، طلاق با ارزش اکثریت افراد جامعه‌ی ما، که مسلمانان آن را تشکیل می‌دهند در تضاد است در نتیجه‌ی شیوع آن به عنوان انحرافی از ارزش‌های اکثریت جامعه مطرح است و مسئله‌ی اجتماعی به شمار می‌رود. علاوه بر انحراف از ارزش‌های اکثریت جامعه، طلاق که عامل از هم‌گسیختگی و از هم‌پاشیدگی کانون خانواده است دارای پیامدهای بسیاری برای افراد و جامعه است که می‌تواند آن را به عنوان یک مسئله‌ی اجتماعی قابل بررسی مطرح کند.

با وجود قدمت طلاق، آمارهای جهانی مؤید این واقعیت است که میزان طلاق در بسیاری از جوامع افزایش یافته است و روندی روبه رشد دارد (گیدنز، ۱۳۷۹: ۴۳۸؛ ساروخانی، ۱۳۷۶: ۲۲-۱۳). در ایران نیز هر ساله بر میزان آن افزوده شده و روندی رو به رشد دارد. طبق تحقیقات دفتر امور آسیب‌دیدگان سازمان بهزیستی، میزان طلاق در ایران ۱۱/۲ درصد بوده است که میزان بسیار بالایی است. این مسأله در شهر مرزی بانه نیز ابعاد آسیب‌زایی به خود گرفته است.

جدول ۱. مقایسه‌ی نسبت طلاق به ازدواج شهرستان بانه در سال‌های ۱۳۸۴-۱۳۹۰

سال	۱۳۸۴	۱۳۸۵	۱۳۸۶	۱۳۸۷	۱۳۸۸	۱۳۸۹	۱۳۹۰	۶ ماه اول ۹۱
نسبت طلاق به ازدواج	۱۳/۵۳	۱۴/۳۷	۱۵/۸۷	۱۶/۰۲	۱۶/۴	۱۵/۸	۱۵/۰۱	۱۶/۷

منبع: اداره ثبت و احوال شهرستان بانه



نمودار ۱. مقایسه‌ی نسبت طلاق به ازدواج شهرستان بانه در سال‌های ۱۳۸۴-۱۳۹۰

همان‌طور که در جدول و نمودار شماره‌ی ۱ مشاهده می‌شود نسبت طلاق به ازدواج در شهرستان بانه در بین سال‌های ۱۳۸۴ تا ۱۳۸۸ روندی افزایشی داشته است؛ به گونه‌ای که در سال ۱۳۸۴ در برابر هر ۱۰۰ ازدواج ۱۳/۵۳ مورد طلاق داشته‌ایم اما این میزان در سال‌های بعد افزایش پیدا کرده به گونه‌ای که در سال ۱۳۸۸ این میزان به ۱۶/۴ یعنی تقریباً ۱۶/۵ مورد طلاق در برابر هر صد ازدواج رسیده است. در شش ماهه‌ی اول ۱۳۹۱ این مسأله روند فزاینده‌ای پیدا کرده است. علاوه بر این، این میزان در شهر مرزی بانه بالاتر از میزان متوسط کشوری و استانی است به گونه‌ای که در سال ۱۳۹۰ این میزان در کشور ۱۳ مورد طلاق در برابر صد مورد ازدواج و در استان کردستان این میزان ۱۴ مورد بوده است (www.tabnak.ir). اما همان‌طور که در جدول (۱) آمده است این میزان در شهرستان بانه در سال‌های ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۱ بالاتر بوده است.

شهر مرزی بانه، با ۱۴۵۲/۳۹ کیلومتر مربع مساحت در شمال غربی استان کردستان واقع شده است. بنا به سرشماری سال ۱۳۹۰، دارای ۱۳۲۵۶۵ نفر جمعیت می‌باشد. داشتن بیش از ۱۲۰ کیلومتر مرز مشترک با کردستان عراق و رواج مبادلات مرزی و ورود فراوان کالاها و اجناس خارجی و دسترسی راحت به ماهواره و سایر تکنولوژی‌های ارتباطی موجب شده است تا افراد در معرض شیوه‌ها و سبک‌های زندگی جدیدی قرار بگیرند. با نفوذپذیر

شدن فزاینده‌ی مرزهای اجتماعی در سایه‌ی تشدید تعاملات و تجارت مرزی، و شبکه‌های تلویزیون ماهواره‌ای، بنیان‌های خانواده با چالش‌های جدی مواجه شده است. چنین تغییراتی موجب شده است تا در شرایط کنونی پرداختن به موضوع طلاق و شناخت علمی آن و عوامل اثرگذار بر تغییرات آن، به موضوعی درخور توجه و واجد اهمیت مبدل شود. بنابراین، با لحاظ نمودن شرایط و رویدادهای جدید، این سؤال مطرح می‌شود که زوجین ساکن در این منطقه‌ی مرزی به چه میزان گرایش به طلاق دارند؟ عوامل پیش‌بینی‌کننده کدامند؟ و آخر این که، بر مبنای یافته‌های حاصله برای مواجهه‌ی منطقی و عالمانه با این مسأله چه راه‌کارهای عملی می‌توان ارائه داد؟

همان‌طور که در جدول شماره‌ی ۲ نشان داده شده است، مسأله‌ی طلاق مورد توجه مطالعات تجربی عیدیه‌ای قرار گرفته است. از وجوه تمایز پژوهش حاضر تلاش در جهت مفهوم‌سازی و فرموله‌کردن مسأله‌ی طلاق با تأسی از یک دستگاه مفهومی تلفیقی است. علاوه بر این، درخصوص شدت یافتن طلاق و شناسایی عوامل اثرگذار بر آن در مناطق مرزی پژوهش‌چندانی به انجام نرسیده است و این پژوهش در نوع خود بدیع می‌باشد.

جدول ۲. مروری بر مطالعات تجربی مرتبط با طلاق

عناوین	عوامل پیش‌بینی‌کننده طلاق
سیاوش بهرامی کاکاوند، (۱۳۸۶)، غیائی و همکاران (۱۳۸۹) رحیمی (۱۳۷۹)، سیف الهی ننه کران (۱۳۷۲) استاک و بنکووسکی (۱۹۹۴) آماتو و راجرز (۱۹۷۷)، پور صادق کردی (۱۳۸۸)، رحیمی (۱۳۷۹)، سیف الهی ننه کران (۱۳۷۲)	تصور مثبت از پیامد های طلاق عدم تمکین مصرف مشروبات الکلی، الکلیسم مصرف مخدر، اعتیاد، محکومیت درازمدت، معاشرت با دوستان ناباب، خوش‌گذرانی
تقی زاده (۱۳۵۰)، داوودی (۱۳۵۶)، پیران (۱۳۶۹)، قطبی (۱۳۸۳)، سیاوش بهرامی کاکاوند، (۱۳۸۶) سیف الهی ننه کران (۱۳۷۲)، رحیمی (۱۳۷۹)، آماتو و راجرز (۱۹۷۷)، پور صادق کردی (۱۳۸۸)، صدق پور (۱۳۷۷) آماتو و راجرز (۱۹۷۷)، صدق پور (۱۳۷۷)، سیف الهی ننه کران (۱۳۷۲)، داودی (۱۳۶۵)، قطبی (۱۳۸۳) غیائی و همکاران (۱۳۸۹) گالر و همکاران (۲۰۰۹)	خالت دیگران، ختلافات خانوادگی، بداخلاقی، عصبانی بودن، ضرب و شتم، حسادت خیانت جنسی، روابط نامشروع جسمی و جنسی نتن توافق اخلاقی، سارق بودن یکی از زوجین، بیماری های روانی، خشونت
ادوارد و فولرد (۱۹۹۲)، سیف الهی ننه کران (۱۳۷۲)، صدق آمیز (۱۳۷۶)، رحیمی (۱۳۷۹)، پور صادق کردی (۱۳۸۸)، آماتو و راجرز (۱۹۷۷)، دانش و همکاران (۱۳۷۰)، ریحانی (۱۳۸۱)، گلشن (۱۳۷۲) فریسکو و ویلیامز (۲۰۰۳) مه پویان (۱۳۵۴)، قطبی (۱۳۸۳)، سیاوش بهرامی کاکاوند، (۱۳۸۶)، سیف الهی ننه کران (۱۳۷۲) صدق پور (۱۳۷۷)، رحیمی (۱۳۷۹)، غیائی و همکاران (۱۳۸۹) صدق آمیز (۱۳۷۶)، رحیمی (۱۳۷۹)، تقی زاده (۱۳۵۰)، مه پویان (۱۳۵۴)، داودی (۱۳۵۶)، میراحمدی زاده و دیگران (۱۳۸۲)، شیرزاد (۱۳۸۳)، طباطبایی (۱۳۸۳)، ریحانی (۱۳۸۱) غیائی و همکاران (۱۳۸۹)، کرومیری و همکاران (۲۰۰۹) سیف الهی ننه کران (۱۳۷۲)، صدق آمیز (۱۳۷۶)، مه پویان (۱۳۵۴)، شیرزاد (۱۳۸۳)، طباطبایی (۱۳۸۳)، صدق آمیز (۱۳۷۶) پور صادق کردی (۱۳۸۸)، سوینی (۲۰۰۲)	بیکاری، مشکلات اقتصادی، اشتغال زنان و اد ساعات کار زیاد آنان، ندادن خرجی، فقر و بیکاری، ولخرجی در پول ورده نشدن انتظارات همسران، نداشتن سازگاری، عدم تفاهم، عدم تفاهم اخلاقی ختلاف سطح سواد و تحصیلات، اختلاف سن، اختلاف محل تولد، ازدواج در سن پایین، اختلاف مذهبی نداشتن فرزند، نازایی تعدد زوجین و چندهمسری

با اذعان به ماهیت چند عدی، پیچیده، و کیفی طلاق از دیدگاه نظری واحدی نمی‌توان آن را بررسی کرد، لذا برای مفهوم‌سازی و فرموله‌کردن آن از تلفیق دیدگاه‌های نظری نابسامانی اجتماعی، هم‌سان همسری، نظریه‌ی مبادله، شبکه، نظریه‌ی اریکسون و نظریه‌ی کاشت بهره گرفته شده است.

نظریه‌ی همسان همسری^۱: این نظریه استحکام خانواده را ناشی از وجود ویژگی‌های همسان زن و شوهر می‌داند، همسانی میان دو فرد، نه تنها آنان را به سوی یکدیگر جذب می‌کند، بلکه پیوند و وصلت آن‌ها را استوار می‌سازد؛ به سخن دیگر، ناهمسانی میان دو همسر سر چشمه کشمکش های خانوادگی است. شنگ و یامورا^۲، بر این باورند که هر قدر پیوندهای قدیمی و فرهنگی میان زن و شوهر محکم‌تر باشد، خطر جدایی به مراتب میان آنان کمتر است. به طور کلی، هر قدر درجه‌ی همگونی همسران بیشتر باشد، زناشویی آنان استوارتر و پایدارتر است (ساروخانی، ۱۳۸۵: ۶۶-۴۰) هم‌چنین به عقیده‌ی هیل^۳، افراد مایلند همسری برگزینند که بیشتر همسان‌شان باشد تا ناهمسان و چنان‌چه این قاعده به دلایلی رعایت نگردد، احتمالاً زوجین دچار ناسازگاری و در نهایت جدایی می‌شوند.

نظریه‌ی شبکه^۴: تحلیل شبکه، به مطالعه‌ی قواعدی درباره‌ی اعتقادات افراد و این‌که چه باید انجام دهند می‌پردازد. الیزابت بات، معتقد است که شبکه‌ای که زن و مرد به آن تعلق دارند هر چه مترکم تر باشد، رابطه‌ی زن و شوهر به عنوان زوج زناشویی تفکیک شده‌تر بوده و بیشتر تابع سلسله مراتب است و هر چه شبکه‌ها کم تراکم تر باشند، نقش‌های مردانه و زنانه نشانگر جدایی و تفکیک هستند. وی این نکته را در قالب فشارهای فرهنگی تبیین می‌کند (سگالن، ۱۳۷۰: ۲۵۵-۲۵۴). بنابراین نظریه‌ی شبکه بر روابط زوجین و شبکه‌ی خویشاوندی تأکید دارد و بیان می‌کند که هر چه روابط بین شبکه کمتر و سست‌تر باشد، زوجین وظایف خود را بهتر انجام می‌دهند. پس اگر شبکه قوی باشد، زوجین خود نمی‌توانند تصمیمات لازم را اتخاذ کنند، چرا که باید بر اساس شرایط و روابط شبکه عمل کنند و دخالت دیگران را در زندگی خود قبول کنند. این مسئله می‌تواند زمینه‌ی بروز اختلافات در خانواده را به وجود آورد و در نتیجه‌ی دخالت دیگران خانواده دچار انحلال می‌شود (ریاحی و همکاران، ۱۳۸۶: ۱۲۰-۱۱۹).

نظریه‌ی مبادله^۵: این نظریه، رفتار اجتماعی را به عنوان یک تبادل فعالیت ملموس یا غیرملموس و کم و بیش پاداش دهنده، میان دست کم دوشخص در نظر می‌گیرد (ریترز، ۱۳۸۶: ۴۲۴). بر مبنای نظریه‌ی هومنز^۶، اساس مبادله‌ی اجتماعی بر منفعت شخصی و ترکیبی از نیازهای اقتصادی و روانی استوار است (همان، ۴۲۷). رفتار فرد تحت تأثیر پاداش‌هایی که می‌گیرد و هزینه‌هایی که در بر دارد تغییر می‌کند. از دیدگاه این نظریه، روابط بین زن و شوهر نیز یک مبادله محسوب می‌شود که از ابتدای زندگی شروع می‌شود. اگر از دیدگاه حقوق متقابل آن‌ها را به عنوان پاداش و هزینه تلقی کنیم، زندگی آن‌ها بر مدار مبادله‌ی متقابل جریان می‌یابد. از طرف دیگر عدم برابری هزینه و پاداش برای زوجین، منجر به احساس بی‌عدالتی و نابرابری در مبادله می‌گردد و در نهایت منجر به گسست روابط متقابل زوجین می‌شود برای مثال، زمانی که هریک از زوجین هزینه‌های یک رابطه را بیشتر از منافع آن ارزیابی نمایند، این شخص به رابطه‌ی مذکور خاتمه خواهد داد. در واقع پنداشت فرد از سود یا زیانی که در زندگی زناشویی خود به دست می‌آورد، اهمیت پیدا می‌کند (جلیلیان، ۱۳۷۵: ۴۵-۴۴).

نظریه‌ی اریکسون: اریکسون^۷ یکی از روان‌شناسان رشدنگر است. وی، دوره‌ی ۳۰ تا ۴۰ سالگی را دوره‌ی صمیمیت در برابر انزوا می‌نامد. تعارض روانی مهم اوایل بزرگ سالی، صمیمیت در برابر انزوا است. این تعارض در افکار و احساسات جوانان نسبت به متعهد ساختن دائمی خود به یک همسر صمیمی منعکس می‌شود. برقرار کردن رابطه‌ی متقابل صمیمانه و خوشنودکننده چالش‌انگیز است، صمیمیت ایجاب می‌کند که زوجین هویت خویش را مطابق با ارزش‌ها و تمایلات دو نفر توصیف کنند. صمیمیت مسئله‌ی مهم اوایل بزرگ سالی است (یونسی، ۱۳۹۰: ۱۳۳) و رضایت زناشویی یکی از مقوله‌هایی است که با میزان طلاق رابطه‌ی مستقیم دارد؛ افرادی که از زندگی زناشویی رضایت دارند، کمتر احتمال دارد که از همسران خود جدا شوند و عکس این قضیه نیز ثابت شده است. زندگی زناشویی بدون دردسر با افزایش سلامت روانی و جسمانی مردان ارتباط دارد. در زنان کیفیت رابطه تأثیر بیشتری بر سلامت روانی آن‌ها دارد، در نتیجه وقتی زندگی زناشویی مشکلاتی دارد، زنان بیشتر از مردان رنج می‌برند و روابط زناشویی در بدترین حالت می‌تواند زمینه را برای درگیری شدید، سلطه‌گری - سلطه‌پذیری و خشونت هیجانی و جسمانی آماده می‌کند (سگالن، ۱۳۷۰: ۲۵۶).

نابسامانی اجتماعی^۸: مفهوم نابسامانی اجتماعی را اولین بار دورکیم^۹ برای تبیین وضعیت جامعه‌ی زمان خود به کار برد. وی، نابسامانی اجتماعی را بیماری جامعه‌ی مدرن می‌داند. نابسامانی، وضعیتی است که در آن هنجارهای اجتماعی نفوذ خود را بر روی رفتار فرد از دست داده و معیارهای روشنی برای راهنمای رفتار در حوزه‌ی معینی از زندگی وجود نداشته باشد (گیدنز، ۱۳۷۹: ۱۵۹).

1. Homogamy Theory
2. Cheny & Yamamura
3. Hill
4. Network Theory
5. Exchange Theory
6. Homans
7. Network Theory
8. Anomy
9. Network Theory

دگرگونی شدید در ارزش و هنجارها، سازمان اجتماعی موجود را که متکی بر ارزش‌ها و هنجارهای سنتی جامعه است، سست کرده و ارزش‌های جدید نیز هنوز نتوانسته اند که پایه ای برای نظم و سامان جدید شوند، در نتیجه بی‌نظمی و هنجارشکنی افزایش می‌یابد و آن‌چه را که جامعه شناسان نابسامانی اجتماعی (آنومی) یا بی‌هنجاری می‌نامند در جامعه رواج می‌یابد (حسن پناه، ۱۳۸۸: ۵۹-۵۰). پس هنگامی که جامعه در حال دگرگونی سریع است و در آن ساخت سنتی ضعیف شده اما هنوز موجود است و قواعد و هنجارهای سنتی برایشان کم ارزش شده و ارزش‌های جدید منطبق با وضعیت جا نیفتاده‌اند، در جامعه در حال گذر دو ساخت اجتماعی هم‌چنان موجودند (ساخت کهن و ساخت جدید) در نتیجه برخی از ساخت کهن و برخی از ساخت جدید تبعیت می‌کنند و اکثریت در بین دو ساخت سرگردانند. براساس ساخت کهن می‌اندیشند، لیکن به مقتضای واقعیت برحسب ساخت جدید عمل می‌کنند. گاه در یک امر (ازدواج) دو ساخت متمایز با هم عمل می‌کنند و تناقض می‌آفرینند (ساروخانی، ۱۳۷۶: ۱۲۸). انسان سنتی که تاکنون راه‌های آزموده، محترم و جا افتاده‌ای به نام سنن را طی می‌کرد و کمتر مشکل داشت در شرایط جدید همه‌ی آن سنن را سست و بی اعتبار یافته و در طلب نظام نوینی از ارزش‌ها و هنجارهاست. لیکن این نظام هنوز تحقق نیافته و بنابراین نوعی خلاء ارزش‌ها و هنجارها وجود دارد که معیارهای روشنی برای راهنمایی رفتار در حوزه‌ی معینی از زندگی اجتماعی وجود نداشته باشد.

نظریه‌ی کاشت^۱: رسانه‌های جمعی، انتقال و هدایت دامنه‌ی گسترده‌ی از نمادها، هنجارها، ارزش‌ها، عقاید، پیام‌ها و افکار درون جوامع را برعهده برعهده‌گرفته‌اند تا جایی که برخی صاحب نظران معتقدند که رسانه‌های گروهی کل زندگی فرهنگی و اجتماعی را دگرگون می‌کنند (تامپسون^۲، ۱۹۹۵). در مورد رابطه‌ی رسانه‌های جمعی با نگرش افراد می‌توان از نظریه‌های کاشت و یادگیری اجتماعی بهره جست. فرض هر دو نظریه آن است که مقدار قابل توجهی از آن‌چه انسان‌ها درباره جهان می‌شناسند بیشتر با میانجی به دست می‌آید تا با تجربه‌ی مستقیم (خواججه نوری، ۱۳۹۰: ۳). تحقیقات مبتنی بر نظریه کاشت نشان داده‌اند که مشاهده‌ی زیاد تلویزیون، نگرشی را پرورش می‌دهد که با تلویزیون هماهنگ است تا با واقعیت. تلویزیون آثار بلندمدت در نگرش بینندگان دارد، آثاری که غیرمستقیم، تدریجی و کوچک اما تراکمی و رو به افزایش است (گربرنر^۳، ۱۹۹۴). امروزه می‌توان ویژگی‌های تلویزیون را به رسانه‌های جدیدتری چون ماهواره و اینترنت نیز تعمیم داد. نظریه‌ی کاشت به رسانه‌های جمعی به عنوان عامل اجتماعی شدن می‌نگرد و به دنبال بررسی این موضوع است که بینندگان این رسانه‌ها چقدر تحت تأثیر نسخه‌ی رسانه‌ای از واقعیت هستند؟ (رضوی زاده، ۱۳۸۵: ۱۱۷). به نظر گربرنر، اهمیت رسانه در خلق راه‌های مشترک انتخاب و نگرستن به رویدادهاست. او این فرایند را کاشت انگاره‌های غالب می‌خواند. کاشت به معنای پذیرش و درونی‌سازی نگرش تلویزیونی و رسانه‌ای توسط مخاطبان و بینندگان است، بنابراین از دیدگاه این نظریه می‌توان فرض کرد، کسانی که مصرف رسانه‌ای بیشتری دارند، در مقایسه با کسانی که مصرف رسانه‌ای کمتری دارند، به سبک‌های زندگی نمایش داده شده در تلویزیون و دیگر رسانه‌های دیداری - شنیداری تمایل بیشتری خواهند داشت (همان، ۱۳۸۵).

به زبان روان‌شناسی اجتماعی تصاویر رسانه‌ها در طرح واره‌ی شناختی و اکتشافی درمی‌آمیزد و در طول فرآیند شکل‌گیری هویت، ارزیابی خود، نسبت دادن‌ها و مقایسه‌ی اجتماعی یاد آورده می‌شوند (کلترین و میسنو^۴، ۲۰۰۰). بدین ترتیب می‌توان گفت نفوذ برنامه‌های ماهواره‌ای در قوت بخشیدن به ارزش‌هایی هم‌چون مادی‌گرایی، فردگرایی، آزادی‌های نامحدود و کامیابی به هر قیمت، مؤثر می‌باشد که باعث تغییر ارزش‌های سنتی و گاه ایجاد تضاد ارزشی در بین زوجین به واسطه‌ی تغییر ارزش‌ها در یکی از زوجین خواهد شد و احتمال ناپهنجاری‌های مختلفی نظیر طلاق را افزایش خواهد داد. چارچوب نظری: در بخش قبل، نظریه‌ها و منابع تجربی مرتبط با طلاق مرور گردید. نکته‌ی قابل ملاحظه آن است که هیچ یک از دیدگاه‌ها و منابع تجربی مورد بررسی در زمینه‌ی طلاق، به طور مطلق فاقد اعتبار علمی و ارزش عملی نیستند؛ بلکه برخی از آن‌ها حاوی نکات قابل توجهی بوده که بدون رجوع به آنها تنظیم مبانی نظری و روش‌شناسی مطالعات و تحقیقات جدید در جهت تولید ایده‌ها و داده‌های نوین و کمک به پیش‌برد حدّ و مرز دانش نظری و تجربی موجود اگر غیر ممکن نباشد حداقل بسیار مشکل و دشوار خواهد بود. از این‌رو، مقاله‌ی حاضر در تلاش است تا از منظری تلفیقی، مسأله‌ی طلاق را مفهوم‌سازی نماید. یکی از نظریه‌های مورد استفاده، نظریه‌ی مبادله بود. در این نظریه، روابط بین زن و شوهر یک مبادله محسوب شود که عدم برابری هزینه و پاداش برای زوجین، احساس بی‌عدالتی و نابرابری در مبادله و برآوردن نشدن انتظارات زوجین را در پی دارد که در نهایت منجر به گسست روابط متقابل زوجین می‌شود. طبق نظریه‌ی هم‌سان همسری، ناهمسانی و تفاوت عقاید میان زوجین سرچشمه‌ی کشمکش‌های خانوادگی است و با افزایش ویژگی‌های ناهم‌سان زوجین، برآوردن نشدن انتظارات زوجین تشدید می‌شود. هم‌چنین طبق نظریه‌ی شبکه، مداخله‌ی اطرافیان در زندگی زوجین و شدت رابطه با اطرافیان مداخله‌جو، ناسازگاری و عدم برآورد انتظارات زوجین و گرایش به طلاق را تشدید می‌نماید.

در وضعیت نابسامانی چنان خلأیی در نظام اجتماعی به وجود می‌آید که نیازها و خواسته‌های فردی با سرعت لازم برآورده نمی‌شود. در نتیجه شخص چون نمی‌داند که به کدامین سو رهسپار شود و چه کار کند، سرگشته می‌شود و زندگی خانوادگی خود را عامل برآورده نشدن نیازها و انتظاراتش

1. Cultivation Theory

2. Thompson

3. Gerbner

4. Coltrane and Miseno

می داند در نتیجه در صدد انحلال زندگی خانوادگی برمی آید. براساس نظریه‌ی کاشت، کسانی که مصرف رسانه‌ای بیشتری دارند، در مقایسه با کسانی که مصرف رسانه‌ای کمتری دارند، به سبک‌های زندگی نمایش داده شده در تلویزیون و دیگر رسانه‌های دیداری - شنیداری تمایل بیشتری خواهند داشت، رسانه‌های داخلی با نمایش سبک‌های زندگی منطبق با واقعیت اجتماعی جامعه، انتظارات منطقی‌تر و واقعی‌تری در افراد پرورش می‌دهند که امکان برآورد این انتظارات در جامعه بالاتر است. اما رسانه‌های خارجی با نمایش سبک‌های زندگی متفاوت و متناقض با سبک‌های زندگی متعارف، انتظارات متفاوتی را پرورش می‌دهند که اغلب امکان برآورده شدن را نداشته و زندگی زوجین را به سوی از هم‌گسیختگی سوق می‌دهد. در جدول شماره ۳، متغیرهای اصلی برگرفته از رویکردهای نظری موجود در مفهوم سازی طلاق به اختصار آمده است.

جدول ۳. مبانی نظری متغیرهای مستقل تحقیق

ردیف	نام متغیر	بنیان نظری
۱	مداخله‌ی اطرافیان در زندگی زوجین	شبکه
۲	تصور از پیامدهای طلاق	مبادله
۳	برآورده نشدن انتظارات زوجین	مبادله
۴	هم‌سانی زوجین	همسان همسری
۵	تفاوت عقاید زوجین	همسان همسری
۶	مصرف رسانه‌های داخلی و خارجی	کاشت
۷	نابسامانی اجتماعی	آنومی
۸	بلوغ فکری و عاطفی زوجین	اریکسون

فرضیات پژوهش:

- ۱) بین میزان برآورده نشدن انتظارات زوجین و میزان گرایش به طلاق رابطه‌ی مستقیم وجود دارد.
- ۲) بین میزان مداخله‌ی اطرافیان و میزان گرایش به طلاق رابطه‌ی مستقیم وجود دارد.
- ۳) بین میزان تفاوت عقاید زوجین و میزان گرایش به طلاق رابطه‌ی مستقیم وجود دارد.
- ۴) بین تصور از پیامدهای طلاق و میزان گرایش به طلاق رابطه‌ی مستقیم وجود دارد.
- ۵) بین میزان مصرف رسانه‌های داخلی و میزان گرایش به طلاق رابطه‌ی معکوس وجود دارد.
- ۶) بین میزان مصرف رسانه‌های خارجی و میزان گرایش به طلاق رابطه‌ی مستقیم وجود دارد.
- ۷) بین بلوغ فکری و عاطفی زوجین و میزان گرایش به طلاق رابطه‌ی معکوس وجود دارد.
- ۸) بین میزان نابسامانی اجتماعی و گرایش به طلاق رابطه‌ی مستقیم وجود دارد.
- ۸-۱) بین میزان دستیابی به اهداف و گرایش به طلاق رابطه‌ی معکوس وجود دارد.
- ۸-۲) بین میزان پای‌بندی دینی و میزان گرایش به طلاق رابطه‌ی معکوس وجود دارد.
- ۸-۳) بین میزان از هم‌گسیختگی خانواده و میزان گرایش به طلاق رابطه‌ی مستقیم وجود دارد.
- ۹) بین پایگاه اقتصادی-اجتماعی و میزان گرایش به طلاق رابطه‌ی مستقیم وجود دارد.
- ۱۰) بین سطح تحصیلات و میزان گرایش به طلاق رابطه‌ی معکوس وجود دارد.
- ۱۱) بین هم‌سانی زوجین و گرایش به طلاق رابطه‌ی مستقیم وجود دارد.

روش

روش‌شناسی پژوهش حاضر کمی و از نوع هم‌بستگی می‌باشد. نحوه‌ی گردآوری اطلاعات پیمایشی و با استفاده از پرسش‌نامه انجام گرفته است. داده‌های مورد نیاز با تکنیک‌های چندگانه گردآوری و با استفاده از تکنیک‌های کمی مورد تحلیل قرار گرفته است؛ به طوری که پس از توصیف گرایش زوجین به طلاق، با استفاده از تکنیک‌های تحلیل چندمتغیری از جمله تحلیل رگرسیون و تحلیل مسیر، سهم هریک از متغیرهای مستقل در تبیین و پیش‌بینی تغییرات متغیر وابسته تعیین و مشخص شده است.

جامعه‌ی آماری و روش نمونه‌گیری: جامعه‌ی آماری شامل زوجین ساکن در شهرستان بانه می‌باشد که بر اساس سرشماری سال ۱۳۹۰، ۴۲۰۰۰ نفر می‌باشند. حجم نمونه بر اساس فرمول کوکران، که در آن مقدار $t=1/96$ (میزان خطا)، $d=0/05$ ، (دقت احتمالی مطلوب)، و $S^2=0/25$ (واریانس پدیده مورد مطالعه) بوده است، ۴۰۰ نفر به دست آمد که به شیوه‌ی نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای انتخاب شده است. بدین منظور شهر بانه بر اساس وضعیت

اقتصادی و اجتماعی به سه بخش تقسیم و از میان مناطق بالا، متوسط و پایین به تصادف از هر گروه یک منطقه و در مجموع سه منطقه انتخاب و در هر منطقه خیابان‌ها و در هر خیابان بلوک‌هایی به شیوه‌ی تصادفی ساده انتخاب شدند.

اعتبار و پایایی ابزار گردآوری داده‌ها: برای بالا بردن اعتبار پرسش‌نامه، ابتدا اعتبار صوری سؤالات با بهر گرفتن از نقطه نظرات و مشاورت اساتید جامعه‌شناسی مورد بررسی قرار گرفت. علاوه بر این، در تدوین سؤالات یا گویه‌های مقیاس‌های اصلی از سؤالات مشابهی که در پرسش‌نامه‌های فراگیر داخلی و خارجی مورد استفاده قرار گرفته بود، استفاده شد. در مرحله‌ی بعد، از آن‌جا که برای تجزیه و تحلیل داده‌ها، نیاز به شاخص‌سازی بود، از روش اعتباریابی^۱ شاخص‌ها استفاده شد و از این طریق معرف‌های مناسب برای ساخت شاخص‌ها مورد استفاده قرار گرفت. برای سنجش اعتبار درونی شاخص‌ها از روش تحلیل گویه^۲، استفاده شد. برای تحلیل پایایی مقیاس‌های پرسش‌نامه از ضریب پایایی یا آلفا استفاده شد. جدول شماره‌ی ۴ نتایج تحلیل متغیرهای وابسته و مستقل را نشان می‌دهد.

جدول ۴. نتایج تحلیل پایایی متغیرهای تحقیق

نام متغیر	تعداد شاخص‌ها	آزمون پایایی	مقیاس	تعداد شاخص‌ها	آزمون پایایی
گرایش به طلاق	۱۵	۰/۸۹۷	مصرف رسانه	۱۵	۰/۸۳۰
ناهمسانی زوجین	۱۰	۰/۸۶۶	تصور از پیامدهای طلاق	۱۲	۰/۷۸۹
پایگاه اقتصادی-اجتماعی	۶	۰/۸۷۴	تفاوت عقاید	۱۵	۰/۸۵۱
نابسامانی اجتماعی	۲۰	۰/۸۳۲	برآورده نشدن انتظارات	۱۵	۰/۸۸۳
بلوغ فکری و عاطفی	۴	۰/۸۳۲	مداخله‌ی اطرافیان	۱۰	۰/۸۵۰

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

^۱. validation

^۱. item analysis

جدول ۵. نتایج تحلیل عاملی گرایش به طلاق در بین زوجین

نتیجه‌ی کلی آزمون K.M.O	عامل های گرایش به طلاق	مؤلفه‌های گرایش به طلاق	
K.M.O= 0.864 Sig=0.000	عامل سوم	عامل اول	طلاق مزایای زندگی مشترک را از بین می برد.
		عامل دوم	طلاق باعث متلاشی شدن کانون گرم خانواده می شود.
			طلاق گرفتن باعث به وجود آمدن مشکل در تهیه‌ی هزینه زندگی می شود.
			طلاق گرفتن باعث بروز مشکل در تهیه و تأمین مسکن مناسب می شود.
			امروزه طلاق زیاد شده است،
			طلاق راهی درست برای پایان دادن به اختلافات خانوادگی است.
			طلاق گرفتن مشکلات روحی زیادی را به بار می آورد.
			طلاق باعث آسیب دیدگی روحی و روانی خانواده می شود
			طلاق گرفتن باعث تنها شدن می شود
			طلاق گرفتن باعث بروز مشکلات عاطفی می شود.
			حاضرم طلاق بگیرم حتی اگر شده از حقوق قانونی ام بگذرم.
			حاضرم طلاق بگیرم، حتی اگر هیچ گاه نتوانم مجدداً ازدواج کنم.
			حاضرم طلاق بگیرم حتی اگر از دیدن فرزندانم محروم شوم
			حاضرم طلاق بگیرم حتی اگر از دارایی هایم بگذرم
		حاضرم طلاق بگیرم حتی اگر از خانواده ام طرد شوم.	

با استفاده از روش تحلیل عامل سه عامل به دست آمد که به ترتیب ابعاد شناختی، عاطفی و رفتاری نام‌گذاری شدند، بر اساس نتیجه‌ی تحلیل عامل و با توجه به آماره‌ی آزمون K.M.O در تمام ابعاد می‌توان نتیجه گرفت که داده‌ها برای تحلیل عاملی مناسب بوده و نتیجه‌ی آزمون بارتلت، نیز معنی دار است.

یافته‌ها

ویژگی‌های جمعیت شناختی پاسخ‌گویان: جمعیت نمونه این پژوهش بین ۱۶-۴۵ سال قرار دارد و میانگین سنی آن‌ها ۳۱/۸ سال بود. به لحاظ جنسیت، ۵۴ درصد زن و ۴۶ درصد مرد بودند. از نظر سطح تحصیلات، ۲۶/۱ درصد مردان زیر دیپلم، ۳۲/۶ درصد دیپلم و ۴۱/۳ درصد بالای دیپلم تحصیلات داشته و در بین زنان ۵۲/۷ درصد زیر دیپلم، ۲۸/۷ درصد دیپلم و ۱۸/۵ درصد بالاتر از دیپلم تحصیلات داشتند. به لحاظ پایگاه اقتصادی-اجتماعی، ۲۵/۲ درصد زوجین در حد پایین، ۴۴/۱ درصد در حد متوسط و ۳۰/۷ درصد از پایگاه بالایی برخوردار بودند. در خصوص سن ازدواج، زنان نسبت به مردان در سن پایین‌تری ازدواج کرده بودند. در خصوص نحوه انتخاب همسر، ۵۶/۵ درصد به انتخاب خودشان، ۳۲ درصد توسط خانواده و همچنین ۱۱/۵ درصد توسط اطرافیان همسرشان را انتخاب کرده بودند.

توصیف آماری شاخص و ابعاد گرایش زوجین به طلاق

جدول ۶. آماره‌های شاخص^۱ تشکیل دهنده‌ی گرایش به طلاق

آماره‌ها		ابعاد گرایش به طلاق
میانگین	انحراف معیار	بُعد شناختی
۸۷/۵	۳/۱۱	بُعد عاطفی
۴۹/۶	۴/۳۴	بُعد رفتاری
۴۷/۱	۴/۹	شاخص گرایش به طلاق
۶۱/۴۳	۸/۷۹	

جدول شماره‌ی (۶) میانگین و انحراف معیار شاخص و ابعاد گرایش به طلاق را در میان زوجین نشان می‌دهد. بر مبنای نتایج به دست آمده میانگین گرایش زوجین به طلاق معادل ۶۱/۴۳ درصد است که بر مبنای یک مقیاس صفر تا ۱۰۰ در حد متوسط ارزیابی می‌شود. در میان ابعاد سه‌گانه‌ی گرایش به طلاق، بُعد شناختی جایگاه محوری و اولیه‌ای داشته و پس از ابعاد عاطفی و رفتاری قرار گرفته‌اند. نکته‌ی قابل توجه این است که با وجود شناخت بالای زوجین از هزینه‌ها و عواقب منفی طلاق در جامعه، در ابعاد عاطفی و رفتاری گرایش متوسطی نسبت به طلاق در زوجین وجود دارد. در مجموع می‌توان گفت که در ۳۰ درصد زوجین گرایش به طلاق در حد پایین، در ۳۱/۵ درصد در حد متوسط و در ۳۸/۵ درصد بالا می‌باشد. توصیف آماری شاخص و ابعاد متغیرهای مستقل:

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

^۱ به منظور سهولت فهم، شاخص‌ها بر مبنای مقیاس صفر تا ۱۰۰ تنظیم شده‌اند، صفر به معنای کمترین میزان گرایش به طلاق و ۱۰۰ به معنای بالاترین میزان گرایش به طلاق است.

جدول ۷. آماره‌های شاخص^۱ تشکیل دهنده‌ی متغیرهای مستقل

متغیرها	گزینه‌ها	درصد	متغیرها	گزینه‌ها	درصد
برآورده نشدن انتظارات	پایین	۴۳/۵	تفاوت عقاید	پایین	۲۶/۵
	متوسط	۳۲/۵		متوسط	۲۶/۵
	بالا	۲۴/۴		بالا	۴۷
میانگین انحراف معیار	۴۳/۲		میانگین	۷۴/۸	
	۳/۵۵		انحراف معیار	۵/۴	
	پایین	۴۴/۵	مصرف رسانه	پایین	۲۷
تصور از پیامدهای طلاق	متوسط	۲۹/۵	داخلی	متوسط	۵۰
	بالا	۲۶		بالا	۲۳
	میانگین	۴۸/۳	میانگین	۵۱/۹	
انحراف معیار	۴/۶		انحراف معیار	۳/۱	
	پایین	۶۵	مصرف رسانه	پایین	۲۴/۵
	متوسط	۲۰/۵	خارجی	متوسط	۳۷
بلوغ فکری و عاطفی	بالا	۱۴/۵		بالا	۳۸/۵
	میانگین	۴۰/۳	میانگین	۸۲/۷	
	انحراف معیار	۳/۷	انحراف معیار	۷/۴	
نابسامانی اجتماعی	پایین	۲۱/۵	ناهمسانی زوجین	پایین	۲۷/۵
	متوسط	۳۱/۵		متوسط	۲۳/۵
	بالا	۴۷		بالا	۴۹
میانگین انحراف معیار	۶۱/۳۴		میانگین	۲۶/۵	
	۸/۷		انحراف معیار	۳/۳	
	پایین	۷/۴	مداخله‌ی اطرافیان	پایین	۶۷
نابسامانی اجتماعی	۷۸/۰۴			متوسط	۱۸
	پاییندی دینی			بالا	۱۵
	از هم گسیختگی خانواده	۳۹/۸۶	میانگین	۴۰/۲	
دست یابی به اهداف	۵۱/۸		انحراف معیار	۳/۶	

جدول شماره‌ی (۷) میانگین و انحراف معیار شاخص و ابعاد متغیرهای مستقل را در میان زوجین مورد بررسی نشان می‌دهد.

میانگین برآورده شدن انتظارات زوجین، معادل ۴۳/۲ درصد است که بر مبنای یک مقیاس صفر تا ۱۰۰ پایین ارزیابی می‌شود. میانگین تفاوت عقاید زوجین، معادل ۷۴/۸ درصد است و نشان از این دارد که نسبت به مسائل گوناگون زندگی زناشویی در بین زوجین مورد بررسی تفاوت زیادی وجود دارد. بلوغ فکری و عاطفی در بخش قابل توجهی از زوجین مورد بررسی پایین بوده و همین مساله نشان از عدم شکل‌گیری مای جمعی خانواده در بین زوجین دارد. میانگین همسانی زوجین معادل ۲۶/۵ است که نشان از وجود تفاوت و اختلاف زوجین از نظر (محل تولد، سن، سطح سواد، ویژگی‌های جسمی و...) دارد. یافته‌ها نشان از آن دارد که مداخله‌ی اطرافیان در زندگی زوجین پایین می‌باشد و تنها در ۱۵ درصد زوجین بالا می‌باشد. یکی از متغیرهای اثرگذار بر گرایش زوجین به طلاق، نوع تصور از پیامدهای طلاق است. بر مبنای یافته‌های حاضر، تنها ۲۶ درصد از زوجین معتقدند که طلاق پیامدهای مثبت زیادی در زندگی برای زوجین دارد و در ۴۴/۵ درصد زوجین این تصور پایین است. بنابراین، طلاق از نوعی قبح اجتماعی در بین زوجین

^۱ به منظور سهولت فهم، شاخص‌ها بر مبنای مقیاس صفر تا ۱۰۰ تنظیم شده‌اند، صفر به معنای کمترین میزان گرایش به طلاق و ۱۰۰ به معنای بالاترین میزان گرایش به طلاق است.



جوان برخوردار است. باتوجه به مرزی بودن منطقه، کثرت مبادلات اقتصادی مرزی، و حجم بسیار بالای مسافر و گردشگر داخلی و خارجی (از کردستان عراق)، یکی از متغیرهای اثرگذار بر طلاق، نابسامانی اجتماعی است. این متغیر از سه بُعد اصلی تشکیل یافته است. بُعد اول میزان از هم گسیختگی خانواده بود. یافته‌ها نشان از آن دارد که سابقه‌ی کیفی، اعتیاد، و طلاق در اعضای خانواده پایین می‌باشد. بُعد دوم، پایبندی دینی (میزان) بود. میانگین انجام مناسک و فرائض دینی $78/04$ بود که نشان از میزان بالای پایبندی دینی در بین زوجین مورد بررسی دارد. میانگین دست یابی به اهداف، معادل $51/8$ درصد است که در حد متوسط ارزیابی می‌شود. شاخص ترکیبی نابسامانی اجتماعی معادل $1/34$ درصد است که در حد متوسط ارزیابی می‌شود. درخصوص مصرف رسانه‌های ارتباط جمعی داخلی و خارجی باید گفت مصرف رسانه‌های ارتباطی داخلی و خارجی به ترتیب در حد متوسط و بالا می‌باشد.

تحلیل همبستگی گرایش زوجین به طلاق با متغیرهای مستقل:

جدول ۸. ضرایب همبستگی بین متغیرهای مستقل با گرایش زوجین به طلاق

متغیر مستقل	تأو کندانال	معناداری	متغیر مستقل	تأو کندانال	معناداری
برآورده نشدن انتظارات	$0/457$	$0/000$	دست یابی به اهداف	$-0/274$	$0/000$
تفاوت عقاید زوجین	$0/347$	$0/000$	پایبندی به دین	$-0/374$	$0/000$
تصور از پیامدهای طلاق	$0/186$	$0/002$	از هم گسیختگی خانواده	$0/273$	$0/000$
بلوغ فکری و عاطفی	$0/30$	$0/002$	مصرف رسانه داخلی	$-0/308$	$0/000$
نابسامانی اجتماعی	$0/489$	$0/000$	مصرف رسانه خارجی	$0/428$	$0/000$
ناهمسانی زوجین	$0/315$	$0/005$	تحصیلات	$-0/351$	$0/001$
مداخله‌ی اطرافیان	$0/306$	$0/000$	پایگاه اقتصادی - اجتماعی	$0/466$	$0/000$

بر اساس نتایج تحلیل همبستگی که در جدول شماره (۸) آمده است می‌توان گفت که بین برآورده نشدن انتظارات زوجین، تصور از پیامدهای طلاق، مداخله اطرافیان، تفاوت عقاید، نابسامانی اجتماعی (بُعد از هم گسیختگی خانواده)، ناهمسانی زوجین، مصرف رسانه‌های خارجی، پایگاه اقتصادی - اجتماعی، بلوغ فکری و عاطفی با گرایش زوجین به طلاق همبستگی مثبتی وجود دارد. همچنین، نابسامانی اجتماعی (در ابعاد پایبندی به دین و دست یابی به اهداف)، مصرف رسانه‌های داخلی و تحصیلات همبستگی منفی با گرایش به طلاق دارد؛ یعنی با افزایش هر یک از این متغیرها گرایش به طلاق کاهش می‌یابد و با کاهش هر یک از این متغیرها، گرایش به طلاق افزایش می‌یابد. نکته‌ی قابل توجه در این خصوص آن است که در میان متغیرهای مستقل نابسامانی اجتماعی قوی‌ترین همبستگی را با گرایش به طلاق داشته است.

تحلیل رگرسیون:

جدول ۹. ضرایب تحلیل رگرسیونی چندگانه‌ی شاخص گرایش زوجین به طلاق

نام متغیر مستقل	مقدار ضریب Beta	سطح معناداری	مقدار R square	تجمعی
نابسامانی اجتماعی	$0/344$	$0/000$	$0/373$	
پایگاه اقتصادی - اجتماعی	$0/226$	$0/000$	$0/474$	
برآورده نشدن انتظارات	$0/165$	$0/000$	$0/505$	
رسانه‌ی خارجی	$0/174$	$0/000$	$0/528$	
تحصیلات	$-0/158$	$0/000$	$0/554$	
رسانه‌ی داخلی	$-0/116$	$0/000$	$0/563$	
ناهمسانی زوجین	$0/109$	$0/005$	$0/571$	

تکنیک تحلیل رگرسیون، تکنیکی است که از طریق آن می‌توان به تبیین و پیش‌بینی تغییرات متغیر وابسته از طریق متغیر یا متغیرهای مستقل پرداخت. پس از انجام رگرسیون چندگانه به روش گام به گام هفت متغیر در معادله باقی مانده است. در مرحله اول، متغیر نابسامانی اجتماعی وارد معادله می‌شود که به تنهایی $37/3$ درصد تغییرات متغیر وابسته را تبیین کرده، در مرحله بعد متغیر پایگاه اقتصادی - اجتماعی به معادله اضافه می‌شود که قدرت تبیین را به $47/4$ درصد می‌رساند، با اضافه شدن متغیر برآورده نشدن انتظارات، قدرت تبیین به $50/5$ درصد رسیده و با اضافه شدن متغیر رسانه‌ی خارجی به $52/8$ درصد رسیده است، همچنین با اضافه شدن تحصیلات قدرت معادله برای تبیین تغییرات گرایش به طلاق به $55/4$ درصد

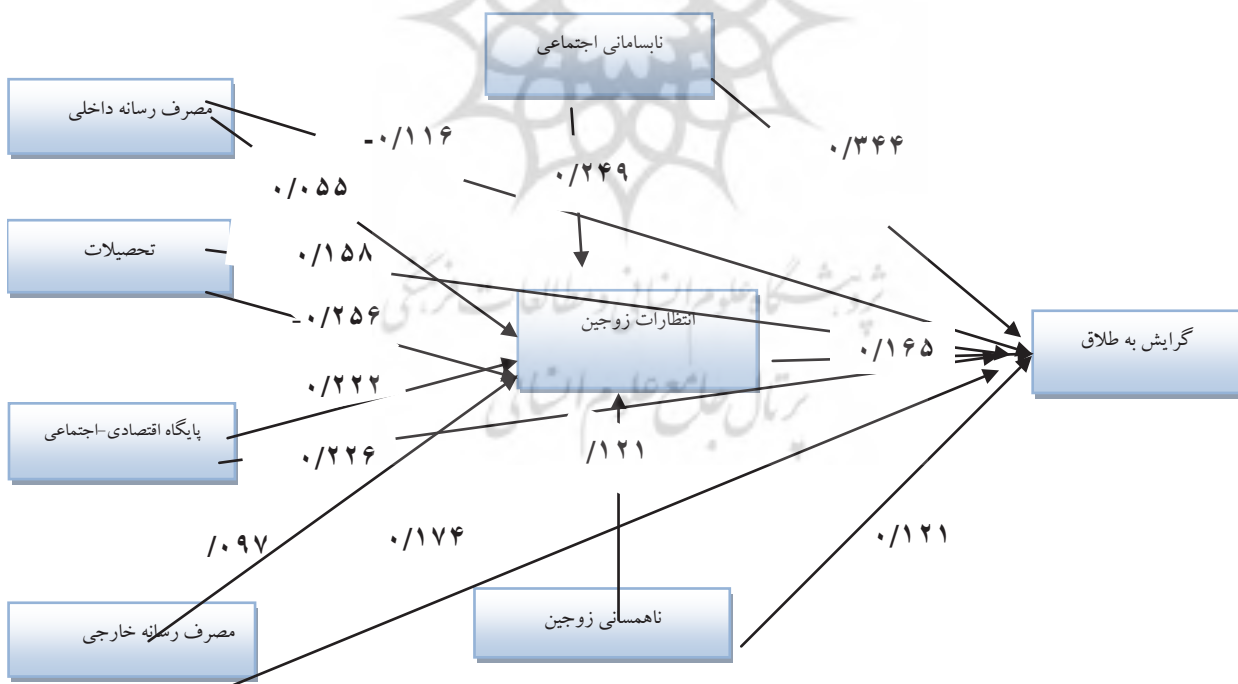
افزایش یافته است. همچنین با اضافه شدن متغیر رسانه‌ی داخلی قدرت تبیین به ۵۶/۳ درصد و با اضافه شدن ناهمسانی زوجین قدرت تبیین به ۵۷/۱ درصد رسیده است. در کل می‌توان گفت که ۷ متغیر مستقل بالا ۵۷/۱ درصد تغییرات گرایش به طلاق را تبیین می‌کنند.
تحلیل مسیر:

جدول ۱۰. مجموع آثار مستقیم و غیر مستقیم متغیرها بر گرایش زوجین به طلاق

نام متغیر	اثر مستقیم	اثر غیر مستقیم	جمع اثرگذاری
نابسامانی اجتماعی	۰/۳۴۴	۰/۰۴۱	۰/۳۸۵
پایگاه اقتصادی - اجتماعی	۰/۲۲۶	۰/۰۳۶	۰/۲۶۲
رسانه‌ی خارجی	۰/۱۷۴	۰/۰۱۶	۰/۱۹۰
تحصیلات	-۰/۱۵۸	-۰/۰۴۲	-۰/۲۰۰
رسانه‌ی داخلی	-۰/۱۱۶	۰/۰۰۹	-۰/۱۰۷
ناهمسانی زوجین	۰/۱۰۹	۰/۰۱۹	۰/۱۳۸
برآورده نشدن انتظارات	۰/۱۶۵	-	۰/۱۶۵

تحلیل مسیر روشی است که برای تعیین اثر مستقیم و غیرمستقیم، متغیرهای موجود در مدل تحلیلی و نظام علی مورد استفاده قرار می‌گیرد. نتایج محاسبه مجموع آثار مستقیم و غیرمستقیم متغیرهای مورد بررسی در گرایش زوجین به طلاق در جدول شماره‌ی (۱۰) آمده است. بر اساس داده‌های جدول بیشترین اثرگذاری مستقیم و غیر مستقیم بر گرایش زوجین به طلاق، مربوط به متغیر نابسامانی اجتماعی و تحصیلات می‌باشد.

نمودار ۲. مدل نظری که بر اساس یافته‌های تجربی پژوهش تأیید و تنظیم شده است^۱



^۱ ملاک یا توجیه قرار دادن متغیرانتظارات زوجین به عنوان متغیر واسطه ای مدل آن بود که در میان همه دلایلی که برای وجود اختلافات میان زن و شوهر مطرح می شود، یک وجه مشترک می توان یافت و آن برآورده نشدن انتظارات زوجین است (صدیق اورعی، ۱۳۹۰: ۱۳۳)

بحث و نتیجه‌گیری

طلاق هم‌چون مسئله‌ای اجتماعی که در برگیرنده‌ی انحلال قانونی ازدواج و جدایی زن و شوهر می‌باشد، به لحاظ تأثیرات گسترده در روند رشد جمعیت و نیز دگرگونی در ساختار خانواده و مناسبات اجتماعی وسیع‌تر از اهمیت به‌سزایی برخوردار است. آمارها نشان می‌دهد که در ۸ ماهه‌ی گذشته سال ۱۳۹۱، در مقایسه با زمان مشابه در سال ۱۳۹۰ میزان طلاق رشد ۶ درصدی به خود گرفته است (www.farsnews.ir).

مسئله‌ی خانواده‌ی پایدار هم در سند چشم‌انداز ۲۰ ساله‌ی ایران و هم در قانون برنامه‌ی چهارم توسعه و سیاست‌های کلی نظام در سال ۱۳۸۹ از دید برنامه‌ریزان و سیاست‌گذاران دور نبوده و موادی به این موضوع اختصاص داده شده است. جامعه‌ی ایرانی در افق چشم‌انداز چنین ویژگی‌هایی خواهد داشت: برخوردار از سلامت، رفاه، امنیت غذایی، تأمین اجتماعی، فرصت‌های برابر، توزیع مناسب درآمد، نهاد مستحکم خانواده (وب سایت دولت).

این مقاله سعی بر آن داشت تا در چارچوب روش هم‌بستگی به بررسی عوامل پیش‌بینی‌کننده‌ی گرایش زوجین به طلاق در شهر مرزی بانه بپردازد. در این نوشتار بر اساس نظریه‌های مرتبط با مسأله‌ی مورد بررسی، فرضیاتی مطرح و آزمون شدند. فرضیات تحقیق در سطح معناداری و شدت بالایی در مرحله اول بررسی مورد تأیید قرار گرفتند، هر چند برخی از متغیرها رابطه‌ی ضعیفی با گرایش زوجین به طلاق نشان دادند. تعدادی از فرضیات در مرحله دوم تبیین، یعنی بررسی رابطه‌ی متغیرهای مستقل با گرایش زوجین به طلاق به وسیله‌ی تحلیل رگرسیون چندمتغیره، نشان دادند که رابطه‌ی مستقل و معنادار و قابل قبولی با گرایش زوجین به طلاق ندارند. طبعاً بر مبنای این تحلیل‌ها مباحث نظری پیش می‌آید که تا چه اندازه دستگاه مفهومی و نظری در تبیین گرایش زوجین به طلاق از قدرت تبیین برخوردار است؟ البته باید در نظر گرفت که سطح تحلیل در این تحقیق، خرد و واحد تحلیل آن فرد بوده و نظریه‌ها و فرضیات مطرح شده نیز در این سطح بوده‌اند.

بررسی‌ها نشان داد که ۷۰ درصد از زوجین مورد بررسی گرایش متوسط و رو به بالایی به طلاق داشتند. این مسأله نشان از آستانه‌ی بالای آسیب‌پذیری انون خانواده، کم‌بها شدن خانواده و ارزش‌های خانوادگی در جامعه مورد بررسی دارد که در سطوح کلان می‌تواند تزلزل اجتماعی و بی‌ثباتی را در اجتماع من‌زند. یافته‌های حاضر مؤید مطالعات تجربی به انجام رسیده در این خصوص است و همین امر گویای آن است که طلاق به یک مسأله و آسیب اجتماعی در جامعه‌ی در حال گذار ایران تبدیل شده است؛ جامعه‌ای که آمریت نهادی و نمادین نشانگان فرهنگی و اجتماعی آن متأثر از تغییرات اجتماعی ون‌زا با چالش‌ها و رقبای جدی روبرو ساخته است. بی‌جهت نیست که در مطالعه‌ی حاضر نیز نابسامانی اجتماعی قوی‌ترین هم‌بستگی را با گرایش به للاق داشته است و بیشترین تغییرات (۳۷/۳ درصد) به وجود آمده در گرایش به طلاق را تبیین کرده است؛ به عبارت دیگر می‌توان گفت که مهم‌ترین امل افزایش گرایش به طلاق، متغیر نابسامانی اجتماعی بوده است. ناگفته پیداست که نابسامانی اجتماعی متأثر از تغییرات ارزشی و تعبیرات محیطی ی‌باشد (غفاری و ابراهیمی، ۱۳۸۵: ۱۴۴). در منطقه‌ی مرزی بانه، به دلیل تجارت مرزی و رشد اقتصاد غیررسمی، تغییرات شدید در وضع اقتصادی منطقه، فزایش نامتعارف حجم سرمایه اقتصادی در میان بخشی از مردمان این منطقه، تعادل اقتصادی و اجتماعی به هم خورده و به تبع آن از جاکنده‌گی فرهنگی پدیدارگشته است. شرایط مذکور، تقابل و مواجهه‌ی نشانگان سنتی و مدرن را در این منطقه‌ی مرزی شدت بخشیده است. از این رو در میدان ورد مطالعه، ارزش‌هایی در حال عرض اندام هستند که مروج لذت‌طلبی، مصلحت‌گرایی فردی، سودگرایی و ابزارگرایی می‌باشند. چنین شرایطی باعث ستحاله‌ی روابط انسانی و شکنندگی و آسیب‌پذیری کنش‌های ارتباطی در بین اعضای جامعه به ویژه زوج‌های جوان شده است. بی‌دلیل نیست که در پی ضعیف آمریت ارزش‌ها و هنجارهای فرهنگ بومی و سنتی منطقه، طلاق قبح اجتماعی خود را از دست داده است. به زعم دورکیم هر قدر وجدان جمعی وی باشد، حساسیت عمومی در مقابل تخلفی از بنیان‌های ارزشی و هنجاری حادتر است. با تضعیف وجدان جمعی، ارزش‌های منفی متناسب به طلاق اهش می‌یابد. به عبارت دیگر، جامعه‌ای که طلاق را پدیده‌ای عادی و طبیعی می‌داند، رواج آن را نیز موجب خواهد شد (کاملی، ۱۳۸۶: ۱۸۵).

رسانه‌های ارتباط جمعی نیز به عنوان یکی از منابع تغییر برون‌زا در جامعه‌ی ایران، نابسامانی اجتماعی و روند تغییرات ارزشی را شدت بخشیده است. مبنای نتایج حاضر، مصرف کانال‌ها و شبکه‌های تلویزیونی ملی و کانال‌های ماهواره‌ای به ترتیب رابطه‌ی مستقیم و معکوسی با گرایش به طلاق داشته است. این امر مؤید اعتبار نظری و تجربی نظریه‌ی کاشت مبنی بر نقش رسانه‌ها در شکل‌دهی به عقاید، نگرش و رفتار مخاطبان است که موافق با مطالعه‌ی تجربی نیمه‌ی (۱۳۸۶) است. از جمله‌ی این تغییرات ارزشی، بالا رفتن سطح توقعات و احساس برآورده نشدن انتظارات در زندگی مشترک و رشد ریبجی تصور مثبت از پیامدهای طلاق است که رابطه‌ی مستقیمی با گرایش به طلاق داشته است. یافته‌ی مذکور مؤید مطالعات تجربی قطبی (۱۳۸۳)، برامی کااوند (۱۳۸۶)، گیائی و همکاران (۱۳۸۹) بوده است. البته آن‌چه تغییرات ارزشی را دامن زده است وجود زمینه‌ها و بسترهای مساعد در بین زوجین ست. از جمله عوامل مساعد می‌توان به سطح نازل بلوغ عاطفی و فکری، سطح بالای ناهم‌سانی زوجین و پایگاه اقتصادی - اجتماعی زوجین اشاره نمود. سؤر غالب بر وجود موانع اقتصادی بر افزایش میزان طلاق دلالت دارد. یافته‌ی حاضر به نوعی در تقابل با این تصور متعارف بود؛ به بیان دیگر با افزایش نابع در دسترس مادی زوجین، گرایش به طلاق افزایش یافته است. این یافته در تقابل با نتایج مطالعات قبلی (برای مثال، سیف‌اللهی ننه کران، ۱۳۷۲؛ مدق‌آمیز، ۱۳۷۶؛ رحیمی، ۱۳۷۹؛ پور صادق کردی، ۱۳۸۸) است. این مسأله گویای نقش عمده‌ی عوامل فرهنگی در گرایش زوجین به طلاق است که به-لیل مرزی بودن این منطقه و نابسامانی اجتماعی و تغییرات ارزشی نشأت گرفته از آن شدت یافته است.

نتایج به دست آمده از تحلیل رگرسیون چندمتغیره نشان داد که متغیرهای نابسامانی اجتماعی، پایگاه اقتصادی - اجتماعی، برآورده شدن انتظارات، مصرف رسانه‌های خارجی، سطح سواد، مصرف رسانه‌های داخلی، ناهمسانی زوجین به ترتیب مهم ترین متغیرهای پیش‌بینی کننده‌ی گرایش به طلاق بوده‌اند و در مجموع ۵۷/۱ درصد از تغییرات گرایش به طلاق را تبیین کرده است. باتوجه به یافته‌های این پژوهش طرح پیشنهادهایی در حوزه‌ی مدیریت مسالمت‌آمیز طلاق ضروری می‌نماید که می‌توان به صورت فهرست‌وار بدان اشاره نمود:

- آموزش شیوه‌های صحیح رفتاری از طریق برگزاری دوره‌های آموزشی قبل از ازدواج تحت عناوین آموزش مهارت‌های زندگی، راهبردهای ارتقای کارکرد خانواده، حقوق و تکالیف زوجین، بهداشت باروری و
- ترویج فرهنگ مراجعه‌ی خانواده‌ها به مراکز مشاوره‌ی خانواده در هنگام بروز اختلافات.
- ترویج فرهنگ هم‌سان‌گزینی و تأکید بر لزوم آشنایی و شناخت خصوصیات و ویژگی‌های اخلاقی - رفتاری زوجین قبل از ازدواج.
- فرهن سازی برای پای‌بندی به ارزش‌های اخلاقی توسط همسران.
- آموزش شیوه‌ها و معیارهای صحیح همسرگزینی و اصلاح روش‌های سنتی ازدواج.
- برگزاری آموزش حقوقی در زمینه‌ی ازدواج، مشاوره‌ی خانواده برای دختران و پسران در آستانه‌ی ازدواج.
- ارتقای آگاهی‌های خانواده در خصوص حقوق زنان.
- آموزش و آشناسازی والدین نسبت به مسائل جوانان.
- تقویت نقش حمایتی والدین افراد برای ارتقای سلامت روان و کیفیت زندگی زوجین جوان.
- تقویت رسانه‌ی ملی با تأکید بر علایق و سلیق جوانان و تهیه‌ی برنامه‌های متنوع آموزشی در جهت توان‌مندسازی زوج‌های جوان.



منابع

- پیران، پرویز (۱۳۶۹). در پی تبیین جامعه‌شناختی طلاق؛ نشریه‌ی رونق، ۱(۲)، ۴۱-۳۴
- تقی زاده، اسماعیل (۱۳۵۹). **علل و عوامل مؤثر در طلاق**، دانشکده‌ی علوم اجتماعی، پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد علوم اجتماعی دانشگاه تهران.
- خواجه نوری، بیژن (۱۳۹۰). **سبک زندگی و مدیریت بدن**، فصل‌نامه‌ی جامعه‌شناسی زنان، ۲(۴)، ۶۷-۸۷.
- جلیلیان، زهرا (۱۳۷۵). **عوامل مؤثر بر درخواست طلاق در شهر تهران**، پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد، رشته‌ی جامعه‌شناسی دانشگاه علامه طباطبایی.
- حسن پناه، حسین (۱۳۸۸). **عوامل مؤثر بر خودکشی جوانان در استان کردستان**، پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد، رشته‌ی جامعه‌شناسی دانشگاه تربیت مدرس.
- دانش، کتابون و همکاران (۱۳۷۰). **علل و عوامل مؤثر بر طلاق در شهر تهران**، پیک ماما، ۶(۳)، ۳۰-۳۴.
- داودی، پرستو (۱۳۵۶). **علل و عوامل طلاق**، تهران، پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد دانشگاه تهران.
- رایینگتن، ارل و مارتین واینبرگ (۱۳۸۲). **رویکردهای نظری هفتگانه در بررسی مسائل اجتماعی**، ترجمه‌ی رحمت اله صدیق سروسستانی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
- رحیمی، حسین (۱۳۷۹). **بررسی عوامل طلاق در استان خراسان**، فصل‌نامه‌ی جمعیت، ۸(۳۳ و ۳۴)، ۱۱۲-۱۰۰.
- ریاحی، محمد اسماعیل؛ علیوردی نیا، اکبر و بهرامی کاکاوند، سیاوش (۱۳۸۶). **تحلیل جامعه‌شناسی میزان گرایش به طلاق، نشریه‌ی پژوهش زنان**، ۵(۳)، ۱۴-۱۰۹.
- ریتزر، جورج (۱۳۸۶). **نظریه‌ی جامعه‌شناسی در دوران معاصر**، ترجمه‌ی محسن ثلاثی، تهران: انتشارات علمی.
- رضوی زاده، نورالدین (۱۳۸۵). **بررسی تأثیر رسانه‌ها بر تمایل به تغییر سبک زندگی**، فصل‌نامه‌ی علوم اجتماعی، شماره‌ی ۳۱.
- سارو خانی، باقر (۱۳۷۶). **طلاق: پژوهشی در شناخت واقعیت و عوامل آن**؛ چاپ دوم، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- سارو خانی، باقر (۱۳۸۵). **مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی خانواده**، تهران: انتشارات سروش.
- ستوده، هدایت اله و بهاری، سیف اله (۱۳۸۶). **آسیب‌شناسی خانواده**، تهران: ندای آریانا.
- سختاوت، جعفر (۱۳۸۳). **جامعه‌شناسی انحرافات اجتماعی**، تهران، انتشارات دانشگاه پیام نور.
- سگالن، م (۱۳۷۰). **جامعه‌شناسی تاریخی خانواده**، ترجمه‌ی حمید الیاسی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- سیف‌اللهی ننه کران، ح (۱۳۷۲). **بررسی علتهای طلاق، کاربرد روش تجزیه‌عاملی ارتباطها**، نامه‌ی علوم اجتماعی، ۳، ۱۴۱-۱۵۲.
- شیرزاد، جلال و کاظمی فر، امیر احمد (۱۳۸۳). **مطالعات همه‌گیرشناسی زوجین در حال طلاق ارجاعی به اداره‌ی کل پزشکی قانونی استان همدان در سال ۱۳۷۹**، پزشکی قانونی، ۳۶، ۲۱۲-۲۰۷.
- صالح صدق پور، بهرام (۱۳۷۷). **بررسی عامل‌هایی که منجر به اختلاف خانوادگی و طلاق می‌شوند**، مجله‌ی اصلاح و تربیت، ۴(۳۹)، ۲۶-۳۰.

صدق آمیز، خلیل(۱۳۷۶). بررسی عوامل‌های مؤثر بر سازگاری زناشویی در شیراز، پایان‌نامه‌ی دوره‌ی کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی، دانشگاه شیراز.

صدیق اورعی، غلامرضا(۱۳۹۰). جامعه‌شناسی مسائل اجتماعی ایران، مشهد: جهاد دانشگاهی

غفاری، غلامرضا و ابراهیمی لویه، عادل(۱۳۸۵). تغییرات اجتماعی، تهران: انتشارات لویه.

غیائی، پروین و همکاران(۱۳۸۹). بررسی علل اجتماعی گرایش به طلاق در بین زنان مراجعه‌کننده به دادگاه‌های خانواده‌ی شیراز، فصل‌نامه‌ی زن و جامعه، ۱(۳)، ۱۱-۲۴.

قطبی، مرجان و همکاران(۱۳۸۳). وضعیت طلاق و برخی عوامل مؤثر بر آن در افراد مطلقه‌ی ساکن در منطقه‌ی دولت آباد، رفاه اجتماعی، بهار، ۳، ۲۸۶-۲۷۱.

کاملی، محمدجواد(۱۳۸۶). بررسی توصیفی علل و عوامل مؤثر در بروز آسیب اجتماعی طلاق، فصل‌نامه‌ی دانش انتظامی، ۹(۳)، ۵۶-۷۳.

گلشن، صیاد(۱۳۷۲). بررسی طلاق و عوامل اجتماعی - جمعیت‌شناسی مؤثر بر آن در شهرستان خوی، پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد رشته‌ی جامعه‌شناسی دانشگاه تهران.

گیدنز، آنتونی(۱۳۷۹). جامعه‌شناسی، ترجمه‌ی منوچهر صبوری، تهران: نشر نی.

مرتون، رابرت کی(۱۳۷۶). مشکلات اجتماعی و نظریه‌ی جامعه‌شناختی، ترجمه‌ی نوین تولایی، تهران: امیر کبیر.

مهبویان، ابوالقاسم(۱۳۵۴). بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر طلاق، تهران: پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد رشته‌ی جامعه‌شناسی دانشگاه تهران.

میراحمدی زاده و همکاران(۱۳۸۲). رضامندی زناشویی و تعیین عوامل تأثیرگذار بر آن در شیراز، اندیشه و رفتار، ۸(۴)، ۳۳-۴۲.

نعیمی، محمدرضا(۱۳۸۶). تأثیر تعامل خانواده و ماهواره در بروز پدیده‌ی طلاق، مجله‌ی تخصصی جامعه‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد شوشتر، ۱(۱)، ۴۳-۶۱.

یونسی، سیدجلال(۱۳۹۰). مدیریت روابط زناشویی، آسیب‌ها و راه‌حل‌ها در روابط زناشویی، تهران: قطره.

اداره‌ی ثبت احوال شهرستان بانه(۱۹۱-۱۳۸۴). آمارهای طلاق شهرستان بانه .

Amato, Paul, R. and D.Stacy, J. Rogers(1997)." A Longituidinal Study of Marital Problems and Subsequent divorce", *Journal of marriage and the family* . 59, 612-624.

Grebner, G. " Growing up With Television: The cultivation Perspective " in. Bryant,J.8

Tampson, j. (1995) The Media and Modernity, Standford University

Weitzmen,Lenore. J(1985), The Divorce Revolution: The Unexpected Social and Economic Consequences for Women and Children in America, free Pr(September 1985).

Edward,j.n. & Fuller,s.(1992)Female Employment and Marital Instability: Evidence from Thailand: *Journal of Marriage and the Family*,45(1):59-68

Stack, S.& Bankowski, E(1994)Divorce and Drinking: An Analysis of Russian Data", *Journal of Marriage and the Family*, 56:805-812

- Michael Gähler, Ying Hong and Eva Bernhardt (2009), "Parental Divorce and Union Disruption among Young Adults in Sweden", *Journal of Family Issue*; Vol. 30, 5: pp. 688-713.
- Frisco, Michelle L. and Kristi Williams (2003), "Perceived Housework Equity, Marital Happiness, and Divorce in Dual-Earner Households", *Journal of Family Issues*, Vol. 24, 1: pp. 51-73.
- Krumrei, Elizabeth J. Annette Mahoney, Kenneth I. Pargament (2009), "Divorce and the Divine: The Role of Spirituality in Adjustment to Divorce", *Journal of Marriage and Family*, Volume 71, Issue 2, pp: 373-383.
- Megan M. Sweeney (2002), "Remarriage and the Nature of Divorce: Does it Matter Which Spouse Chose to Leave?" *Journal of Family Issues*, Vol. 23, 3: pp. 410-440.
- www.tabnak.ir

